

سوالات تستی عربی یازدهم تجربی درس ۱

۱- ما ذا نوع الفعل «اجتنبوا» .

الف - مضارع ب- ماضی ج- امر د- ماضی استمراری

۲- ما هو الصحيح .

هی من أهم أسباب قطع التواصل بين الناس .

الف- الاستهزاء ب- سوء الظن ج- التجسس د- الغيبة

۳- عين فعل مستقبل .

الف- كان يكتب ب- سأكتب ج- سوف نكتب د- كزینه ب- ج

۴- ما هو الأخطاء في المتضادات .

الف- إثم ذنب ب- بداية نهاية ج- زائد ناقص د- الفقر الغناء

۵- عين الخطا عن «خير» في هذه العبارة. «خير الامور أوسطها»

الف- مبتدا ب- اسم تفضيل ج- مضاف د- مضاف اليه

۶- ما هو الضمير المناسب في الفراغ .

.....تنصحننا .

الف- نحن ب- هي ج- أنت د- هن

۷- عين الفعل النهى .

الف- لا تلقتبون ب- لا نذكر ج- لا تجسسوا د- لا يجتنب

۸- ما هو المفرد .

الف- النجم ب- كبائر ج- اموات د- لحوم

۹- عين الصحيح للفراغ .

التلاميذ .....الى المدرسة غداً .

الف- ذهبوا ب- ما ذهبوا ج- سوف يذهبون د- كانوا يذهبون

۱۰- عين الفعل الذي لا يناسب الافعال الاخرى .

۱۱- عين الاسم التفضيل.

الف- أنزلَ ب-أزرق ج-اطول د-أبيض

۱۲- ما هو الفراغ .

هن .....بسرعة.

الف - كتبتن ب- ما كتبتن ج-يكتبن د-گزينه الف وب

۱۳- عين الصحيح عن نوع الاسماء التالية: «مناظر -منتظر -مقبول»

الف-اسم مكان -اسم فاعل -اسم مفعول ب-اسم مكان -اسم مفعول -اسم مفعول  
اسم فاعل -اسم مفعول د-اسم فاعل -اسم فاعل -اسم مفعول ج-اسم مبالغه -

۱۴- عين ماكله اسم المكان .

الف-مَلْعَب -مَكْتَبَة -مَجْلِس ب-مَنَاطِق -مُشْكَلَة -مَطْعَم

ج- مُنْهَدِم -مَدْرَسَة -مَشْرِق ب-مُشْرِك -مَتَطَقَة -مَسَاجِد

۱۵- عين العبارة التي ليس فيها اسم المكان .

الف -الدنيا سجن المومن . ب-نذهب الى مَلْعَب .

ج- نصلى فى مَسْجِد . د-أُنْظَر الى مَنَاطِر.

۱۶- عين اسم التفضيل مبتدا .

الف-ليلةُ القدر خيرٌ من ألف شهر. ب-جَبَلٌ دماوند أعلى جبال ايران . ج- أفضلُ الاعمال الكسبُ من  
الحلال. د-إذا مَلَكَ الأراذل هَلَكَ الافاضل.

۱۷- عين الاصح والأدق فى الترجمة. «علينا أن نبتعد عن العجب»

الف - بايد از خود پسندی دورى می کردیم . ب- بايد خود پسندی را از خود دور کنیم . ج-از خود پسندی  
دورى می کنیم. د- بايد از خود پسندی دورى کنیم.

۱۸- ما هو نوع افعال: «لا تَلْقُبُوهم بِالْقَاب يَكْرَهُنَهَا»

الف -مضارع منفي -مضارع ب-مضارع منفي -ماضي

ج-نهى -مضارع د-امر -مضارع

۱۹- عين الصحيح عن نوع الاسماء . أجمل -مطاعم -علامة

الف-اسم تفضيل -اسم مبالغه -اسم مبالغه ب-اسم تفضيل -اسم مكان -اسم مبالغه

ج- اسم تفضيل -اسم فاعل -اسم مبالغه د-اسم تفضيل -اسم مفعول -اسم فاعل

۲۰- عين اسم جمع .

الف -السروال ب-السعر ج-الملاعب د-الميزان

الف- ذنوب      ب- اموات      ج- مکاتب      د- لحم

۲۲- عین اسم التفضیل مونث .

الف- أفاضل      ب- صُغری      ج- أعلى      د- گزینه ب وج

۲۳- عین الفعل المجهول.

الف- يُسافر      ب- یُشجع      ج- ینزل      د- یخلق

۲۴- عین المحل الاعرابی لکلمة التی اشیر الیها بخط.

خیر إخوانکم مَنْ أهدى الیکم عیوبکم .

الف- مفعول      ب- خبر      ج- مضاف الیه      د- فاعل

۲۵- عین الصحیح فی الفراغ . «المؤمنون .....الظن»

الف- لا یجتنبون      ب- یحبون      ج- یکرهون      د- یطیعون

تست‌های ترجمه و قواعد از درس ۲ ، عربی یازدهم مشترک

تست‌های ترجمه

■ ■ عین الأصح فی الترجمة للأسئلة رقم ۱- ۱۴

۱. سألني زميلي سؤالاً عن علم الأحياء تعنتاً:

- ۱) هم کلاسی‌مان به خاطر مچ‌گیری، سؤالی از زیست‌شناسی از ما می‌پرسد.
- ۲) هم کلاسی‌ام به خاطر فخرفروشی، سؤالی از جانورشناسی از من پرسید.
- ۳) هم کلاسی‌ام به خاطر مچ‌گیری، سؤالی از زیست‌شناسی از من پرسید.
- ۴) هم کلاسی‌ات به خاطر فخرفروشی، سؤالی از گیاه‌شناسی از من خواهد پرسید.

۲. إن نطالع كتباً كثيرة يساعدا في سهولة فهم الموضوعات:

- ۱) باید کتاب‌های زیادتری مطالعه کنیم، چون به ما در سهولت فهم موضوعات کمک خواهد کرد.
- ۲) اگر کتاب‌های زیادی مطالعه کنیم، به ما در سهولت فهم موضوعات کمک می‌کند.
- ۳) اگر کتاب‌بیشتری مطالعه کرده باشیم، به ما در سهولت فهم موضوعات کمک خواهد کرد.

۳. عَدَدٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ أَلْفُوا كُتُبًا فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَ الْآخَرَى بِالْمُتَعَلِّمِ:

۱) دانشمندان زیادی کتابهایی در زمینه‌های تربیت و آموزش نوشته‌اند، برخی‌شان به یادگیرنده و برخی دیگر به یاددهنده مربوط است.

۲) دانشمندان زیادی کتابهایی در زمینه‌های تربیت و آموزش تألیف می‌کنند، برخی‌شان به یاددهنده و برخی دیگر به یادگیرنده مربوط است.

۳) تعدادی از دانشمندان کتابهایی در زمینه‌های تربیت و آموزش نوشته‌اند، برخی‌شان به یاددهنده و برخی دیگر به یادگیرنده مربوط است.

۴) تعدادی از دانشمندان کتابهایی در زمینه‌های تربیت و آموزش می‌نوشتند، برخی‌شان به یادگیرنده و برخی دیگر به یاددهنده مربوط است.

۴. مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ مِّنْ عَمَلٍ بِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ:

۱) هرکس دانشی را یاد بدهد، پاداش کسی را دارد که به آن عمل نموده است، از پاداش انجام‌دهنده کم نمی‌شود.

۲) آن‌کس که دانشی را یاد می‌دهد، برای او پاداش کسی است که به آن عمل نموده است، از پاداش انجام‌دهنده کم نخواهد شد.

۳) کسانی که دانشی را یاد بدهند، برایشان پاداش کسی است که به آن عمل نموده است، از پاداش انجام‌دهنده کم نمی‌شود.

۴) هرکس دانشی را یاد داده باشد، پاداش کسی را دارد که به آن عمل نموده است، از پاداش انجام‌دهنده کم نخواهد شد.

۵. ثُمَّ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ، وَ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا يَمْلِكُ الْأَرْضَ كُلَّهَا:

۱) برای والدینت و معلمت از جایت برخیز، اگرچه فرماندهی باشی که بر تمام زمین فرمانروایی خواهد کرد.

۲) برای پدرت و معلمت بر جایت بنشین، اگرچه فرماندهی باشی که بر زمین‌های زیادی فرمانروایی می‌کند.

۳) برای والدینت و معلمت بر مکانت بنشین، اگرچه فرماندهی باشی که بر زمین فرمانروایی می‌کند.

۴) برای پدرت و معلمت از جایت برخیز، اگرچه فرماندهی باشی که بر تمام زمین فرمانروایی می‌کند.

۶. جَاءَتْ حِكْمٌ مُفِيدَةٌ فِي كُتُبِنَا الْأَخْلَاقِيَّةِ، مِنْهَا: مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ:

۱) در کتاب‌های اخلاقی ما، حکمت‌های سودمندی آمده است، از جمله: هرکس در خردسالی‌اش سؤال کند، در بزرگسالی‌اش جواب می‌دهد.

۲) در کتاب اخلاقی ما، حکمت‌های مفیدی آورده شده است، از جمله: هرکس در خردسالی‌اش سؤال کند، در بزرگسالی‌اش جواب خواهد داد.

۳) در کتاب‌های اخلاقی ما، حکمت‌های سودمندی آمده است، از جمله: کسی که در خردسالی‌اش سؤال کند، در بزرگسالی‌اش جواب می‌دهد.

۴) در کتاب‌های اخلاقی، حکمت‌های مفیدی آورده شده است، از جمله: کسی که در خردسالی‌اش سؤال کرده است، در بزرگسالی‌اش جواب داده است.

- ۱) دانش‌آموزان در اول زنگ به سخن معلم شیمی گوش فرا دادند.
- ۲) دانش‌آموزان! زنگ اول به سخن معلم شیمی گوش فرا دهید.
- ۳) دانش‌آموزان در اول زنگ به سخن معلم شیمیدان گوش فرا می‌دهند.
- ۴) دانش‌آموزان در زنگ اول به سخن معلم شیمی گوش فرا می‌دادند.

۸. كَانَ الطَّالِبُ الْمُشَاغِبُ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ وَ يَلْتَفِتُ إِلَى الْوَرَاءِ:

- ۱) دانش‌آموز اخلاک‌گر با هم‌کلاسی‌ای مانند خودش حرف می‌زد و می‌خندید و به عقب نگاه می‌کرد.
- ۲) دانش‌آموز شلوغ با هم‌کلاسی‌ای مثل خودش حرف می‌زد و می‌خندد و به پشت نگاه می‌کند.
- ۳) دانش‌آموز اخلاک‌گر با هم‌کلاسی‌ای مانند خودش حرف زد و خندید و به عقب نگاه کرد.
- ۴) دانش‌آموز شلوغ می‌خواست با هم‌کلاسی‌ای شبیه خودش حرف بزند و بخندد و به پشت نگاه کند.

۹. ﴿وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾:

- ۱) و چیزهایی که از خوبی‌ها برای خودتان پیشاپیش می‌فرستید، آن را نزد خدا می‌یابید.
- ۲) و چیزهایی که از خوبی‌ها برای خودتان پیشاپیش بفرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت.
- ۳) و هرچه از خوبی برای خودتان پیشاپیش بفرستید، آن را نزد خدا می‌یابید.
- ۴) و هرچه از خوبی برای خودتان می‌فرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت.

۱۰. ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ﴾:

- ۱) ... خدا را یاری کنید، تا شما را یاری کند و گام‌هایتان را استوار گرداند.
- ۲) اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و قدمتان را استوار خواهد گرداند.
- ۳) اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌گرداند.
- ۴) اگر خدا شما را یاری کند، شما او را یاری می‌کنید و گام‌هایتان را استوار می‌گرداند.

۱۱. إِذَا سَمِعْتَ مِنْ مُعَلِّمِكَ مَسْأَلَةً أَوْ حِكَايَةً تَعْرِفُهَا، اسْتَمِعْ إِلَيْهِ كَأَنَّكَ مَا سَمِعْتَ بِهَا مِنْ قَبْلُ:

- ۱) هنگامی که از معلمت مسأله‌ای یا حکایتی شنیدی که آن را دانسته‌ای، به او گوش فرا خواهی داد چنانکه گویی قبلاً آن را نشنیده‌ای.
- ۲) هنگامی که از معلمت مسأله‌ای یا حکایتی شنیدی که آن را می‌دانی، به او گوش فرابنده چون ... قبلاً آن را شنیده‌ای.
- ۳) هنگامی که از معلمت مسأله‌ای یا حکایتی شنیدی که آن را شناخته‌ای، به او گوش فرا می‌دهی چنانکه گویی قبلاً آن را نشنیده‌ای.
- ۴) هنگامی که از معلمت مسأله‌ای یا حکایتی شنیدی که آن را می‌دانی، به او گوش فرابنده چنانکه گویی قبلاً آن را نشنیده‌ای.

۱۲. عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِنَا مِنَ الطَّلَابِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ:

(۱) ما باید با غیر خودمان از دانش‌آموزان شوخی کنیم، هنگامی که معلم درس نمی‌دهد.

(۲) ما نباید با غیر خودمان از دانش‌آموزان صحبت کنیم، هنگامی که معلم درس می‌دهد.

(۳) ما باید با غیر خودمان از دانش‌آموزان شوخی نکنیم، هنگامی که معلم درس می‌خواند.

(۴) ما نباید با ... دانش‌آموزان صحبت کنیم، هنگامی که معلم درسش را تمام کرده است.

### ۱۳. الْمُشَاغِبُ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلَفَهُ وَ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ كَانَ الْمُعَلِّمُ يَكْتُبُ عَلَى السَّبْوَرَةِ:

(۱) اخلا لگر، هنگامی که معلم روی تخته نوشت، با کسی که جلوی او بود حرف می‌زد و گاهی با کسی که عقبش می‌نشست آهسته سخن می‌گفت.

(۲) اخلا لگر، هنگامی که معلم روی تخته نوشت، با کسی که عقبش بود حرف زد و گاهی با کسی که کنارش می‌نشست آهسته سخن گفت.

(۳) اخلا لگر، هنگامی که معلم روی تخته می‌نوشت، با کسی که عقبش بود حرف می‌زد و گاهی با کسی که کنارش می‌نشست آهسته سخن می‌گفت.

(۴) اخلا لگر، هنگامی که معلم روی تخته می‌نویسد، با کسی که جلوی او بود حرف می‌زند و گاهی با کسی که عقبش نشسته بود آهسته سخن می‌گوید.

### ۱۴. إِنْ تَقْرَأْ إِِنْشَاءَكَ أَمَامَ الطَّلَابِ فَسَوْفَ يَتَّبِعُهُ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ وَ سَوْفَ يَتْرُكُ عَمَلَهُ الْقَبِيحَ:

(۱) اگر انشا را جلو دانش‌آموزان بخوانی هم کلاسی اخلا لگر متوجه می‌شود و کار زشتش را رها می‌کند.

(۲) اگر انشایت را روبه‌روی دانش‌آموزان بخوانی هم کلاسی اخلا لگر متوجه خواهد شد و کار زشتش را رها خواهد کرد.

(۳) اگر انشایت را جلو دانش‌آموزان خوانده باشی هم کلاسی اخلا لگر متوجه می‌شود و کار زشتش را رها خواهد کرد.

(۴) اگر انشا را روبه‌روی دانش‌آموزان خوانده باشی هم کلاسی اخلا لگر متوجه خواهد شد و کار زشتش را رها می‌کند.

### ۱۵. عَيْنِ الْخَطِّ فِي التَّرْجَمَةِ:

(۱) عَلَى الْمُتَعَلِّمِ أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ: یادگیرنده نباید از دستوره‌های یاددهنده سرپیچی کند.

(۲) مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطُوهُ: هرکس قبل از سخن گفتن فکر کند، اشتباهش کم می‌شود.

(۳) إِنْ صَبَرْتَ، حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ فِي حَيَاتِكَ: اگر صبر کنی، در زندگی‌ات موفقیت به دست می‌آوری.

(۴) مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ: چیزهایی که در دنیا می‌کاری، در آخرت درو خواهی کرد.

### ۱۶. عَيْنِ الْخَطِّ فِي التَّرْجَمَةِ:

(۱) ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ، أَحْسَنَتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾: اگر خوبی کنید، برای خودتان خوبی می‌کنید.

(۲) ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ﴾: و هرچه از کار خوبی‌ها انجام دهید، خداوند می‌داند.

(۳) إِنْ تَزْرَعُ خَيْرًا، تَحْصُدُ سُرورًا: اگر خوبی بکاری، شادمانی درو می‌کنی.

(۴) مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا، يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ: هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.

### ۱۷. عَيْنِ الْأَصْحَاحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

۱) نَتَوَاضَعُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ كَتَوَاضَعِ الْمَرِيضِ أَمَامَ الطَّبِيبِ الْمَاهِرِ: در مقابل معلم، همانند فروتنی بیمار در مقابل پزشک ماهر، فروتنی کردیم.

۲) وَ لَا نَسِيْقُهُ بِالْكَلَامِ، وَ نَصِرُ حَتَّى يَفْرُعَ مِنَ الْكَلَامِ: و از سخنش پیشی نگرفتیم و صبر کردیم تا سخنش تمام شود.

۳) نَجَلِسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ، لَا نَلْتَفِتُ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِضَرُورَةٍ: مقابلش با ادب نشستیم و جز برای ضرورت به عقب نگاه نکردیم.

۴) وَ نَجْتَنِبُ عَنِ كَلَامٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلْأَدَبِ: و از سخنی که در آن بی ادبی است دوری می‌کنیم.

### ۱۸. عَيْنُ الْخَطِّاءِ فِي الْمَفْهُومِ:

۱) الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ.

۲) علم چو دادت، ز عمل سر مپیچ / دانش بی کار، نیاید به هیچ .

۳) کم گوی و گزیده گوی چون در.

۴) دوصد گفته چون نیم کردار نیست.

### ۱۹. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ: «بِيضَةُ الْيَوْمِ خَيْرٌ مِنْ دَجَاةِ الْغَدِ» (بِيضَةُ: تخم مرغ):

۱) سرکه نقد به از حلوا نسیه.

۲) تخم مرغ دزد، شتر دزد می‌شود.

۳) گربه مسکین اگر پر داشتی، تخم گنجشک از زمین برداشتی.

۴) جوجه را آخر پاییز می‌شمرند.

### ۲۰. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ: «مَا الدُّبَابُ وَ مَا مَرَقْتُهُ؟»:

۱) این دغل دوستان که می‌بینی / مگسانند گرد شیرینی! (۲) ای مگس، عرصه سیمرخ نه جولانگه توست!

۳) صد موش را یک گربه کافی است! (۴) مورچه چیست تا کله پاچه‌اش چی باشد؟

### تست‌های قواعد

#### ■ عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ جَوَابِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ رَقْمَ ۲۱-۲۸

#### ۲۱. أَيُّ عِبَارَةٍ لَيْسَ فِيهَا فِعْلُ الشَّرْطِ؟

۱) مَنْ يُفَكِّرُ قَبْلَ الْكَلَامِ، يَسْلَمُ مِنَ الْخَطِّاءِ غَالِبًا! (۲) [وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ]!

۳) مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا، يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ! (۴) مَنْ تَكَلَّمَ مَعَكَ وَ أَعْطَاكَ الْكِتَابَ؟!

#### ۲۲. أَيُّ عِبَارَةٍ لَيْسَ فِيهَا أُسْلُوبُ الشَّرْطِ؟

۱) مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ! (۲) مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتَهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ!

۳) مَنْ قَالَ فِي الْمَدْرَسَةِ أَنْ تَدْرُسَ جَيِّدًا؟ (۴) مَنْ حَفَرَ بُئْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا!

#### ۲۳. أَيُّ عِبَارَةٍ لَيْسَ فِيهَا أُسْلُوبُ الشَّرْطِ؟

(۱) إِنْ تَزْرَعْ خَيْرًا، تَحْصُدْ سُرورًا! (۲) مَنْ نَصَحَ الْمُعَلِّمَ فِي الصَّفِّ حِينَ ضَحِكَ التَّلَامِيذُ!؟

(۳) إِنْ صَبَرْتَ، حَصَلَتْ عَلَيَّ النَّجَاحُ فِي حَيَاتِكَ! (۴) مَنْ ذَهَبَ إِلَى الْمُعَلِّمِ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ!

۲۴. أَيُّ عِبَارَةٍ يَخْتَلِفُ جَوَابُ شَرْطِهَا مَعَ الْبَقِيَّةِ؟

(۱) [وَمَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ]. (۲) [إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ].

(۳) [مَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ]. (۴) [وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا].

۲۵. أَيُّ عِبَارَةٍ فِيهَا جَوَابُ الشَّرْطِ مَجْهُولٌ؟

(۱) مَنْ طَرَحَ سُؤَالَ صَعْبًا طَلَبَ مِنْهُ جَوَابَهُ! (۲) إِنْ تَوَاضَعْتَ لِلْمُعَلِّمِ عَظُمْتَ شَأْنَكَ!

(۳) مَا يُفَكِّرُ الطَّلَابُ حَوْلَهُ يَكْتُبُهُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبَّوْرَةِ! (۴) مَنْ يَتَأَمَّلْ يَسْلَمْ عَنِ الْخَطَا!

۲۶. أَيُّ عِبَارَةٍ جَاءَ فِيهَا جَوَابُ الشَّرْطِ بِصِيغَةِ الْمَاضِي؟

(۱) [مَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ]. (۲) مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ مِنْ عَمَلٍ بِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ.

(۳) مَا نَعْمَلُ مِنَ الْحَسَنَاتِ فِي حَيَاتِنَا نَجِدُ ثَمَرَتَهَا فِي الْآخِرَةِ! (۴) إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ.

۲۷. أَيُّ عِبَارَةٍ جَاءَ فِيهَا فِعْلُ الشَّرْطِ بِصِيغَةِ الْمُضَارِعِ؟

(۱) [وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ]. (۲) [إِنْ أَحْسَنْتُمْ، أَحْسَنَتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ].

(۳) إِنْ تَقَرَّرَ إِنْشَاءُ كَأَمَامِ الطَّلَابِ فَهُوَ يَتَنَبَّهُ زَمِيلَكَ (۴) مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ.

۲۸. عَيَّن «مَنْ» مَا جَاءَ لِلشَّرْطِ.

(۱) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ، فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ (۲) إِنْ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ

(۳) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَّبَ نَفْسَهُ (۴) مَنْ لَمْ يَتَّبِعْ فَأَوْلِيكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

جواب تستها

تستهای ترجمه

■ درست‌ترین گزینه را در ترجمه سؤالات (۱-۱۴) مشخص کن.

۳.۱

بررسی سایر گزینه‌ها:

«ي» در سألني: من، م. «ي» در زميلي: من، م (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

تَعَنَّتْ: مچ‌گیری (رد گزینه‌های ۲ و ۴)



سَأَلْ: پرسید؛ ماضی، سوم شخص مفرد (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

۲.۲

بررسی سایر گزینه‌ها:

إِنْ: اگر (رد گزینه ۱)

كثيرة: زیاد (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

كُتِبَ: کتاب‌ها (رد گزینه ۳)

نُطَالِعُ: مطالعه کنیم؛ فعل مضارع التزامی؛ اول شخص جمع (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

يُسَاعِدُ: کمک می‌کند؛ فعل مضارع، سوم شخص مفرد (رد سایر گزینه‌ها)

«چون» اضافه است (رد گزینه ۱)

◆ نکته: این از ادوات شرط است، فعل شرط به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود و جواب شرط، به صورت مضارع اخباری.

۳.۳

بررسی سایر گزینه‌ها:

عَدَدٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ: تعدادی از دانشمندان (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

أَلْفُوا: نوشتند، نوشته‌اند؛ ماضی، سوم شخص جمع (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

مُعَلِّمٌ: یاددهنده/مُتَعَلِّمٌ: یادگیرنده (رد گزینه‌های ۱ و ۴) جای دو کلمه در ترجمه فارسی عوض شده است.

۱.۴

بررسی گزینه‌ها:

مَنْ: هرکس، هرکه؛ از ادوات شرط است. (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

عَلَّمَ: یاد داد؛ (با توجه به «مَنْ»): یاد بدهد؛ سوم شخص مفرد (رد سایر گزینه‌ها)

لَهُ: دارد؛ (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

لَا يَنْقُصُ: کم نمی‌شود؛ فعل مضارع منفی، سوم شخص مفرد (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

۴.۵

بررسی گزینه‌ها:

أَبٌ: پدر (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

يَمْلِكُ: فرمانروایی می‌کند (رد گزینه ۱)

الْأَرْضَ كُلَّهَا: تمام زمین (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

فُمْ: برخیز؛ فعل امر، دوم شخص جمع (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

بررسی گزینه‌ها:

جاءت: آمده است. (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

كُنْتِنَا الْأَخْلَاقِيَّةُ: کتاب‌های اخلاقی ما؛ ترکیب (موصوف + مضاف‌الیه + صفت) (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

مَنْ: هرکس، هرکه؛ از ادوات شرط است. (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

در ضمن، سأل چون جواب شرط است بهتر است به صورت مضارع التزامی ترجمه شود و أجاب چون فعل شرط است بهتر است به صورت مضارع اخباری ترجمه شود.

۴.۷

بررسی سایر گزینه‌ها:

الْحَصَّةُ الْأُولَى: زنگ اول (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

كَانَ يَسْتَمِعُونَ: گوش فرا می‌دادند؛ معادل ماضی استمراری (رد سایر گزینه‌ها)

الْكِيمَاءُ: شیمی؛ الْكِيمَاوِيَّ: شیمیدان (رد گزینه ۳)

في: در (رد گزینه ۲). در این گزینه، «دانش‌آموزان» مورد خطاب واقع شده‌اند که نادرست است.

۱.۸

بررسی سایر گزینه‌ها:

كَانَ يَتَكَلَّمُ: حرف می‌زد؛ معادل ماضی استمراری (رد سایر گزینه‌ها)

«می‌خواست» (بُرِيدُ) در جمله عربی وجود ندارد (رد گزینه ۴)

◆ نکته: اگرچه «كان» با فعل «يَتَكَلَّمُ» اومده، اما بر فعل‌های «يَضْحَكُ» و «يَلْتَفِتُ» نیز اثر می‌گذارد و همگی به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شوند.

۳.۹

بررسی گزینه‌ها:

ما: هرچه، آنچه؛ از ادوات شرط است. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

خَيْرٌ: خوبی؛ مفرد است (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

تُقَدِّمُوا: بفرستید؛ مضارع التزامی، دوم شخص جمع (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

تَجِدُوا: می‌یابید؛ مضارع اخباری، دوم شخص جمع (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

«پیشاپیش» در ترجمه فارسی نیامده است (رد گزینه ۴)

۳.۱۰

بررسی گزینه‌ها:

تَنْصُرُوا: یاری کنید؛ فعل مضارع التزامی؛ دوم شخص جمع (رد گزینه ۴)

يَنْصُرُ: یاری می‌کند؛ مضارع اخباری، جواب شرط؛ سوم شخص مفرد (رد گزینه ۱ و ۴)

يُثَبِّتُ: استوار می‌گرداند؛ فعل مضارع، سوم شخص مفرد (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

أَقْدَامُ: قدم‌ها، گام‌ها؛ جمع است (رد گزینه ۲)

در ضمن در گزینه ۱ «تا» اضافه است.

۴.۱۱

بررسی گزینه‌ها:

تَعْرِفُ: می‌دانی، می‌شناسی؛ فعل مضارع، دوم شخص مفرد (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

اسْتَمِعُ: گوش فرا بده؛ فعل امر؛ دوم شخص مفرد (رد سایر گزینه‌ها)

كَأَنَّكَ: گویی که، مثل این که، چنانکه (رد گزینه ۲)

مَا سَمِعْتَ: نشنیده‌ای؛ فعل ماضی منفی؛ دوم شخص مفرد (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

۲.۱۲

بررسی گزینه‌ها:

عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَلَّمَ: ما نباید صحبت کنیم؛ ما باید صحبت نکنیم (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

يُدْرَسُ: درس می‌دهد، تدریس می‌کند؛ فعل مضارع، سوم شخص مفرد (رد سایر گزینه‌ها)

مَعَ غَيْرِنَا مِنْ: با غیر خودمان از (رد گزینه ۴)

۳.۱۳

بررسی گزینه‌ها:

كَانَ يَكْتُبُ: می‌نوشت؛ معادل ماضی استمراری، سوم شخص مفرد (رد سایر گزینه‌ها)

خَلْفَ: عقب، پشت (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

كَانَ يَتَكَلَّمُ: حرف می‌زد؛ معادل ماضی استمراری، سوم شخص مفرد (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

يَجْلِسُ: می‌نشست؛ معادل ماضی استمراری، سوم شخص مفرد (رد گزینه ۴)

يَهْمِسُ: آهسته سخن می‌گفت؛ معادل ماضی استمراری، سوم شخص مفرد (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

جَنْبُ: کنار (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

♦ توجه: فعل‌های يَجْلِسُ و يَهْمِسُ درست‌ه که بدون «كَانَ» اومدن، اما چون قبل از اونا «كَانَ» اومده، بر این فعل‌ها هم اثر می‌ذاره.

۲.۱۴

إنشاءك: انشایت (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

تَقْرَأُ: بخوانی؛ فعل شرط؛ مضارع التزامی؛ دوم شخص مفرد (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

سَوْفَ يَتَنَبَّهُ: متوجه خواهد شد؛ فعل مستقبل، سوم شخص مفرد (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

سَوْفَ يَتْرُكُ: رها خواهد کرد؛ فعل مستقبل، سوم شخص مفرد (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

زَمِيلُكَ الْمَشَاغِبُ: هم‌کلاسی اخلاک‌گرت؛ موصوف + مضاف‌الیه + صفت (رد گزینه ۴)

۴.۱۵ ■ اشتباه در ترجمه را مشخص کن:

بررسی عبارت:

ما: هرچه، آنچه، هر آنچه.

تَزْرَعُ: بکاری؛ فعل شرط به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

تَحْصُدُ: درو می‌کنی؛ جواب شرط به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

۲.۱۶ ■ اشتباه در ترجمه را مشخص کن:

بررسی عبارت:

خَيْرٌ: خوبی؛ مفرد است / هُ: آن را.

۴.۱۷ ■ درست‌ترین ترجمه را مشخص کن:

بررسی عبارت‌ها:

(۱) نَتَوَاضَعُ: فروتنی می‌کنیم؛ فعل مضارع.

(۲) لَا نَسْبِقُ: پیشی نمی‌گیریم؛ فعل مضارع / نَصْبِرُ: صبر می‌کنیم؛ فعل مضارع؛ اول شخص جمع.

(۳) نَجْلِسُ: می‌نشینیم؛ فعل مضارع / لَا نَلْتَفِتُ: نگاه نمی‌کنیم؛ فعل مضارع.

إِسَاءَةٌ: تباہ ساختن / إِسَاءَةُ الْأَدَبِ: بی‌ادبی.

۳.۱۸ ■ اشتباه در مورد مفهوم را مشخص کن:

بررسی عبارت‌ها:

همه گزینه‌ها (غیر از ۳) در مورد اهمیت (عمل و کردار) و نکوهش (سخن گفتن و لاف زدن) است.

ترجمه عبارت عربی: دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.

۱.۱۹ ■ در مورد مفهوم عبارت روبرو، درست را مشخص کن: «تخم مرغ امروز بهتر از مرغ فرداست»

ضرب‌المثل در مورد «اهمیت زمان حال» حرف می‌زنه، بنابراین گزینه «۱» نیز همین معنی رو می‌ده.

۴.۲۰ ■ در مورد مفهوم عبارت روبرو، درست را مشخص کن: (مگس چیست تا خورشتش چی باشه؟)

ضرب‌المثل در مورد «بی اهمیت بودن چیزی» اومده، بنابراین فقط گزینه «۴» با این مفهوم هماهنگی داره.

### تست‌های قواعد

۴.۲۱ ■ در کدام عبارت فعل شرط وجود ندارد؟

بررسی گزینه‌ها:

- (۱) مَنْ: هر کس؛ ادات شرط/ يَفْكُرُ: فعل شرط / يَسَلِّمُ: جواب شرط.
  - (۲) مَنْ: هر کس؛ ادات شرط/ يَتَوَكَّلُ: فعل شرط / قَهْوَ حَسْبَهُ: جواب شرط.
  - (۳) مَنْ: هر کس؛ ادات شرط/ يَحَاوِلُ: فعل شرط/ يَصِلُ: جواب شرط.
  - (۴) مَنْ به معنای «چه کسی» است و ادات شرط نیست؛ بنابراین در این گزینه فعل شرط نداریم.
- ترجمه گزینه‌ها:

(۱) هر کس قبل از سخن گفتن فکر کند، اغلب از اشتباه در امان می‌ماند.

(۲) و هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است.

(۳) هرکس زیاد تلاش کند، به هدفش می‌رسد.

(۴) چه کسی با تو حرف زد و کتاب را به تو داد؟

۳.۲۲ ■ در کدام عبارت اسلوب شرط وجود ندارد؟

بررسی گزینه‌ها:

(۱) ما: ادات شرط/ تَزْرَعُ: فعل شرط/ تَحْصُدُ: جواب شرط.

(۲) ما: ادات شرط/ فَعَلْتَ: فعل شرط/ وَجَدْتَ: جواب شرط.

(۳) مَنْ: ادات استفهام .

(۴) مَنْ: ادات شرط/ حَفَرَ: فعل شرط/ وَقَعَ: جواب شرط.

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) هر چه در دنیا بکاری، در آخرت درو می‌کنی!

(۲) هرچه از خوبی‌ها انجام دهی، آن را در آخرت ذخیره می‌یابی!

(۳) در مدرسه به چه کسی گفتی که خوب درس بخواند؟!

(۴) هرکس برای برادرش چاهی بکند، در آن می‌افتد!

۲.۲۳ ■ در کدام عبارت اسلوب شرط وجود ندارد؟

بررسی گزینه‌ها:

(۱) إِنَّ: ادات شرط/ تَزْرَعُ: فعل شرط/ تَحْصُدُ: جواب شرط.

(۲) مَنْ: ادات استفهام

۴) مَنْ: اِدَاتِ شَرْطٍ / ذَهَبَ: فَعْلٌ شَرْطٍ / شَرَحَ: جَوَابُ شَرْطٍ.

ترجمه گزینه‌ها:

۱) اگر خوبی بکاری، شادی درو می‌کنی!

۲) هنگامی که دانش‌آموزان خندیدند معلم چه کسی را نصیحت کرد؟!

۳) اگر صبر کنی، در زندگی‌ات به موفقیت دست می‌یابی!

۴) هرکس نزد معلم برود قضیه را برایش شرح می‌دهد!

۳.۲۴ ■ کدام عبارت، جواب شرطیاً بقیه تفاوت دارد؟

بررسی گزینه‌ها:

۱) تَجِدُوا: جواب شرط؛ به صورت فعل. ۲) يَثْبُتُ: جواب شرط؛ به صورت فعل.

۳) فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ: جواب شرط؛ به صورت جمله اسمیه همراه با حرف «فَ» ۴) قَالُوا: جواب شرط؛ به صورت فعل

ترجمه گزینه‌ها:

۱) و هرچه از خوبی برای خودتان پیش بفرستید، آن را نزد خدا می‌یابید!

۲) اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می‌کند و قدم‌هایتان را استوار می‌گرداند!

۳) هرچه را از خوبی انفاق کنید، پس قطعاً خداوند به آن آگاه است!

۴) و هنگامی که نادان‌ها آنها را خطاب قرار دهند، سخن آرام می‌گویند!

۱.۲۵ ■ جواب شرط در کدام عبارت، مجهول است؟

بررسی گزینه‌ها:

۱) طَلِبَ: خواسته شد؛ فعل مجهول؛ جواب شرط. ۲) عَظُمْتَ: بزرگ کرده‌ای؛ فعل معلوم، جواب شرط.

۳) يَكْتُبُ: می‌نویسد؛ فعل معلوم، جواب شرط. ۴) يَسْلَمُ: در امان می‌ماند؛ فعل معلوم، جواب شرط.

ترجمه گزینه‌ها:

۱) هرکس سؤال سختی طرح کند، جوابش از او خواسته می‌شود!

۲) اگر برای معلم فروتنی کنی، مقام خودت را بزرگ کرده‌ای!

۳) هرچه دانش‌آموزان در موردش فکر کنند، معلم آن را روی تخته‌سیاه می‌نویسد!

۴) هرکس تأمل کند، از اشتباه در امان می‌ماند!

۴.۲۶ ■ در کدام عبارت جواب شرط به صورت ماضی آمده است؟

بررسی گزینه‌ها:

۱) فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ: جواب شرط؛ در این عبارت فعل وجود ندارد.

(۲) قَلَهُ أَجْرٌ...: جواب شرط؛ بدون فعل.

(۳) نَجِدُ جواب شرط به صورت فعل مضارع.

(۴) نَقَصَ: جواب شرط؛ فعل ماضی.

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) هرچه از خوبی انفاق کنید، خداوند به آن آگاه است.

(۲) هرکس علمی را یاد بدهد، پاداش کسی که به آن عمل کند برای اوست، از پاداش انجام‌دهنده (نیز) کاسته نمی‌شود.

(۳) در زندگی‌مان هرچه را از خوبی‌ها انجام دهیم، نتیجه آن را در آخرت می‌یابیم.

(۴) هرگاه عقل تمام شود، سخن ناقص می‌گردد.

۱.۲۷ ■ در کدام عبارت جواب شرط به صورت مضارع آمده است؟

بررسی گزینه‌ها:

(۱) يَعْلَمُ: جواب شرط؛ به صورت فعل مضارع.

(۲) أَحْسَنْتُمْ (دوم): جواب شرط؛ به صورت فعل ماضی.

(۳) فَهُوَ يَنْتَبَهُ زَمِيلَكَ: جواب شرط؛ به صورت فعل جمله اسمیه

(۴) أَجَابَ: جواب شرط، به صورت فعل ماضی.

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) و هرچه از خوبی انجام دهید، خداوند آن را می‌داند!

(۲) اگر خوبی کنید، برای خودتان خوبی می‌کنید!

(۳) اگر انشایت را جلوی دانش‌آموزان بخوانی، پس او متوجه می‌شود!

(۴) هرکس در خردسالی‌اش سؤال کند، در بزرگسالی‌اش جواب می‌دهد!

۲.۲۸ ■ «مَنْ» را که برای شرایط نیامده مشخص کن.

بررسی گزینه‌ها:

(۱) مَنْ: (هر کس) ادات شرط / غَلَبْتُ: فعل شرط / فَهُوَ...: جواب شرط

(۲) مَنْ: (کسی که) ادات شرط نیست.

(۳) مَنْ: (هر کس) ادات شرط / سَاءَ: فعل شرط / عَذَّبَ: جواب شرط

(۴) مَنْ: (هر کس) ادات شرط / لَمْ يَنْتَبْ: فعل شرط / فَأَلَيْكَ...: جواب شرط

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) هرکس شهوتش بر عقلش چیره شود، پس او بدتر از چارپایان است!

(۲) قطعاً پروردگار تو داناتر است نسبت به کسی که از راهش گمراه شده است!

## تست ۲۵

## تست های درس ۳

## ۱- عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

الف : فالق: شکافنده      ب : السَّوَار: گردن‌بند      ج : لُبُّ: مغز      د : نَوَى: هسته

## ۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

الف : مَلُوثٌ : آلودگی      ب : مَرَمَى: دروازه بان      ج : مَنظَمَةٌ: سازمان      د : تَعَادَلٌ: ثبت کرد

## ۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ اللُّغَاتِ الْمُعَيَّنَةِ عَلَى التَّرْتِيبِ:

نَصِفْ أَلَانَ أَهَمَّ مُوَاصِفَاتِ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ الْعَجِيبَةِ.

الف : نصف کردیم - صفت ها - پدیده ها      ب: وصف می کنیم - موصوف ها - ظاهری

ج: نصف می کنیم - وصف شدنی ها - قیافه ها      د: توصیف می کنیم - ویژگی ها - پدیده ها

## ۴- عَيْنِ الْخَطَا فِي الْمُتَضَادِّ:

الف : تُعْطَى # تَأْخُذُ      ب: أَطْوَلُ # أَقْصَرُ      ج : جَمِيلَةٌ # قَبِيحَةٌ      د : تَنْبَتُ # تَنْمُو

## ۵- عَيْنِ الْخَطَا فِي الْمُتْرَادِفِ:

الف : اشْتَعَالَ = احْتَرَقَ      ب: هَرَبَ = فَرَّ      ج: المَزَارِعُ = الفَّلَاحُ      د: حُجْرَةٌ = عُرْفَةٌ

## ۶- أَيُّ الْمُنْتَخَبِ صَحِيحٌ لِهَذِهِ الْعِبَارَةِ؟

«.....يَسْتَعِدُّهَا الْمَزَارِعُونَ كَسِيَاحٍ حَوْلَ الْمَزَارِعِ»

الف : شَجَرَةُ النَّفْطِ      ب : شَجَرَةُ الْخُبْزِ      ج : شَجَرَةُ الْبَلُوطِ      د : الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ

## ۷- أَيُّ الْمُنْتَخَبِ صَحِيحٌ لِهَذِهِ الْعِبَارَةِ؟

« مَنْ هُوَ الَّذِي يَصْفِرُ بَيْنَ الْفَرِيقَيْنِ فِي مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ؟ »

الف : حَارِسٌ مَرَمَى      ب : الْحَكَمُ      ج : الْمُتَفَرِّجُ      د : الْمُهَاجِمُ

## ۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:

«..... تَبَدَّأَ حَيَاتُهَا بِالِالْتِفَافِ حَوْلَ جِدْعِ شَجَرَةٍ وَغُصُونِهَا»

الف : الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ      ب : شَجَرَةُ النَّفْطِ      ج : شَجَرَةُ الْخُبْزِ      د: شَجَرَةُ الْبَلُوطِ

عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ وَالتَّعْرِيبِ:



- الف : گاهی ارتفاع برخی از آن درختان به بیش از دویست متر می رسد. ب : ارتفاع برخی از آنها به صد متر می رسد.  
ج : گاهی ارتفاع بعضی از آنها به بیشتر از صد متر می رسد. د : ارتفاع برخی از آنها به بیش از صد متر رسیده است.

۱۰ - هُنَّ وَجَدْنَ فِي طَرِيقِهِنَّ غَابَاتٍ مُخْضِرَةً كَانَتْ أَشْجَارُهَا الْمُخْتَلِفَةُ جَمِيلَةً جِدًّا.

- الف : آنها در مسیرشان جنگل های سرسبزی را یافتند که درختان مختلفش بسیار زیبا بودند.  
ب: آنها در راهشان جنگل های سرسبز یافتند که درختانش، مختلف و زیبا بودند.  
ج: آنها در مسیرهایشان جنگل های سرسبزی یافتند که درخت مختلفش، بسیار زیبا بودند.  
د: آنها در راهشان جنگلی سرسبز دیدند که درختان گوناگونش ،بسیار زیبا بودند.

۱۱ - درختی عجیب تر از انگور برزلی نمی شناختم چون میوه هایش روی تنه اش می روید.

- الف : ما کُنْتُ عَرَفْتُ الشَّجَرَةَ أَعْجَبَ مِنَ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِي لِأَنَّهَا تَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جُذُوعِهَا.  
ب : ما كُنْتُ أَعْرِفُ الشَّجَرَةَ أَعْجَبَ مِنَ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِي لِأَنَّهَا تَنْمُو ثَمَرُهَا عَلَى جِذْعِهَا.  
ج : ما كُنْتُ أَعْرِفُ شَجَرَةً أَعْجَبَ مِنَ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِي لِأَنَّهَا تَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جِذْعِهَا.  
د : ما عَرَفْتُ شَجَرَةً أَعْجَبَ مِنَ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِي لِأَنَّهَا تَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جُذُوعِهَا.

۱۲ - عَيْنِ التَّرْجَمَةِ يُوجَدُ فِيهَا خَطَأٌ:

- الف : قَدْ يَنْسَى مَكَانَهُ: گاهی جای آن را فراموش می کند. ب : أَرْعُوا وَاغْرَسُوا .....: کشاورزی کردند و نهال کاشتند.  
ج : رَجَمًا بِسَبَبِ تَسَلُّلٍ: چه بسا به خاطر آفساید است.  
د : شَجَرَةُ السَّكُوبَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ : درخت سکویا درختی از درختان بلند جهان است.

۱۳ - عَيْنِ التَّرْجَمَةِ لَا يُوجَدُ فِيهَا خَطَأٌ:

- الف : اذْهَبُوا إِلَى الْمَلْعَبِ قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِي مِنَ اللَّاعِبِينَ : به باشگاه بروید قبل از اینکه از تماشاگران پر شود.  
ب : يَجِبُ عَلَى هَذَا اللَّاعِبِ أَنْ يَسْجَلَ أَهْدَافًا حَتَّى يُنْتَخَبَ لِلْمُبَارَاةِ:  
این ورزشکار باید گل هایی را به ثبت برساند تا برای مسابقه انتخاب کنند.  
ج : مَنْ يَسْجَلُ ثَلَاثَةَ أَهْدَافٍ يَذْهَبُ إِلَى الْمُبَارَاةِ النَّهَائِيَّةِ: هر کس سه تا گل هایی به ثبت برساند به مسابقه فینال می رسد.  
د : هَذَانِ الْفَرِيقَانِ لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّتَيْنِ بِلا هَدَفٍ: این دو تیم دوبار بدون گل برابر شدند.

۱۴ - عَيْنِ مَا فِيهِ الْأَسْمَاءُ النَّكْرَةُ أَكْثَرُ:

- الف : يُثَبِّتُ اللَّهُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً. ب : سَمِعَ مِهْرَانٌ صَوْتًا مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ.  
ج: تُوْجِدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةً فِي مَازَنْدَرَانَ. د : أَرْسَلَ اللَّهُ إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا.

۱۵ - عَيْنِ مَا أَكْثَرُ فِيهَا الْمَعَارِفُ :

- الف : الْعِنَبُ الْبِرَازِيلِي شَجَرَةٌ تَنْبَتُ فِي الْبِرَازِيلِ. ب : السَّكُوتُ ذَهَبٌ وَالْكَلامُ فِضَّةٌ.

ج: تُوَجِدُ أَشْجَارًا جَمِيلَةً فِي إِيْلَامٍ وَ لُرِسْتَانَ. د: وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ.

١٦ - عَيْنُ فِي الْعِبَارَاتِ إِسْمًا فَاعِلًا لَيْسَ مَعْرِفَةً:

الف: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا أَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا. ب: الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ شَجَرَةٌ تَقَعُ فِي مُحَافِظَةِ هُرْمُزِجَانِ.  
ج: عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. د: لِسَانُ الْمُقْصِرِ قَصِيرٌ فِي حَيَاتِهِ.

١٧ - عَيْنُ الْفَاعِلِ مَعْرِفَةٌ:

الف: جَلَسَ فِي الصَّفِّ مَعْلَمٌ لَا يَعْرِفُهُ أَحَدٌ. ب: يَسْتَعِدِّمُهَا مُزَارِعٌ حَوْلَ الْمَزَارِعِ.  
ج: يَسْكُنُ طَائِرٌ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ. د: سَجَلُ الْاَهْدَافِ اللَّاعِبِ.  
١٨ - عَيْنُ الصِّفَةِ مَعْرِفَةٌ:

الف: أَنْظِرْ هَجَمَةَ قَوِيَّةً مِنْ جَانِبِ لَاعِبِ فَرِيْقِ الصِّدَاقَةِ. ب: سَتَبَدَأُ الْمُبَارَاةُ فِي الْأَسْبُوعِ الْقَادِمِ.  
ج: الْمُعَمَّرُ هُوَ الَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ عُمْرًا طَوِيلًا. د: لِهَذِهِ الشَّجَرَةِ رَائِحَةٌ كَرِيهَةٌ تَهْرَبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ.

١٩ - كَمْ نَكْرَةً جَاءَتْ فِي الْعِبَارَةِ ؟

« فَكَّرَ الطَّالِبُ حَوْلَ مَوْضُوعٍ وَ لَكِنْ وَصَلَ إِلَى نَتِيْجَةٍ مُثْمِرَةٍ »

الف : ثَلَاثٌ ب : أَرْبَعٌ ج : خَمْسٌ د : سِتٌّ  
٢٠ - عَيْنُ عِبَارَةٍ جَاءَ فِيهَا مَعْرِفَتَانِ:

الف : الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَ لَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ. ب : كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا.  
ج : عَلَى الطَّالِبِ الْإِجْتِنَابُ عَنِ كَلَامٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلْأَدَبِ. د : حَاوَلُوا لِإِجَادِ مَجْتَمَعٍ سَعِيدٍ.

٢١ - عَيْنُ الْأَقْرَبِ عَنِ مَفْهُومِ هَذِهِ الْآيَةِ:

﴿ يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ ﴾

الف : آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است. ب : رنگ رخسار خبر می دهد از سر ضمیر.  
ج : در نا امیدی بسی امید است پایان شب سیه سپید است.  
د : هرکسی را به کار خویش، خوش است کس نگوید که دوغ من ترش است.

٢٢ - عَيْنُ الْأَقْرَبِ عَنِ مَفْهُومِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ:

« إِزْرَعُوا وَ اغْرَسُوا .... وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا اطْيَبَ مِنْهُ »

الف: صَاحِبُ الزَّرْعِ لَا يَحْتَاجُ إِلَى مَا عِنْدَ الْآخَرِينَ. ب: عَلَيْنَا أَنْ نَزْرَعَ كُلَّ مَا نَأْكُلُهُ.  
ج: رِزْقُ الْحَلَالِ يُوْجَدُ فِي الزَّرْعَةِ فَقَطْ. د: مَنْ إِشْتَغَلَ بِالزَّرْعَةِ حَصَلَ عَلَى أَحَلِّ الرِّزْقِ.

٢٣- عَيْنُ الْجُمْلَةِ الصَّحِيْحَةِ حَسَبَ الْحَقِيْقَةِ وَالْوَاقِعِ :

الف: الْغَيْبِيَّةُ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. ب: سَوْءُ الظَّنِّ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيْحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ.  
ج: عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةُ خَوَاصِّ الْعِنَاصِرِ. د: الرَّاسِبُ هُوَ الَّذِي يَنْجَحُ فِي الْإِمْتِحَانِ

## اِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ

هَلْ تَعْرِفُونَ الْحَيَوَانَاتِ كَامِلًا؟ هُنَاكَ بَعْضُ الْعَجَائِبِ فِي عَالَمِ الْحَيَوَانَاتِ لَا نَعْلَمُهَا حَتَّى الْآنَ. لُغَةُ الْحَيَوَانَاتِ إِثْنَتَانِ، لُغَةٌ خَاصَّةٌ وَ لُغَةٌ عَامَّةٌ. الْأَلْفُ الْخَاصَّةُ لُغَةٌ لِأَجْلِ التَّفَاهُمِ بَيْنَهَا وَلَكِنَّ الْأَلْفُ الْعَامَّةُ لِتَكَلِّمِ بَعْضِهَا بَعْضًا. لِلْغُرَابِ صَوْتُ يَحْدَرُ بِهِ بَقِيَّةُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا عَنِ الْخَطَرِ وَ هُوَ يُسَمَّى جَاسُوسَ الْغَابَةِ.

۲۴- عَيْنِ الْجُمْلَةِ الَّتِي لَا يُوجَدُ فِيهَا خَطَأٌ حَسَبَ النَّصِّ:

الف: الْغُرَابُ يَتَكَلَّمُ مَعَ بَعْضِ الْحَيَوَانَاتِ بِلُغَةٍ خَاصَّةٍ. ب: تَقْتَرِبُ الْحَيَوَانَاتُ بِالْخَطَرِ مَعَ صَوْتِ الْغُرَابِ.

ج: لِلْحَيَوَانَاتِ لُغَتَانِ فِي حَيَاتِهَا. د: نَحْنُ نَعْرِفُ عَجَائِبَ الْحَيَوَانَاتِ كَامِلًا.

۲۵- عَيْنِ الْجُمْلَةِ الَّتِي يُوجَدُ فِيهَا خَطَأٌ حَسَبَ النَّصِّ:

الف: عَالَمُ الْحَيَوَانَاتِ مَمْلُوءٌ مِنَ الْعَجَائِبِ. ب: الْحَيَوَانَاتُ تَتَفَاهَمُ مَعَ أَمْثَالِهَا بِاللُّغَةِ الْخَاصَّةِ.

ج: الْغُرَابُ يُخْبِرُ الْحَيَوَانَاتِ فِي الْوَقْتِ الْخَطَرِ. د: الْغُرَابُ يُسَمَّى جَاسُوسَ الْغَابَةِ لِأَنَّهُ يُحَاوِلُ لِكَشْفِ أَسْرَارِ الْحَيَوَانَاتِ الْأُخْرَى.

تست ۳۴

تست های درس ۴ عربی

## ۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ :

« لِلكَلَامِ آدَابٌ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَ يَدْعُو الْمُخَاطَبِينَ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ وَ أَنْ لَا يُجَادِلَهُمْ بِتَعَنُّتٍ.»

الف) گوینده باید به آداب سخن گفتن عمل کند و مخاطبان را به کارهای شایسته دعوت کند و با آنها سرزنش آمیز رفتار نکند.

ب) حرف زدن باید با ادب باشد و متکلم به آن عمل کند و با کاری شایسته مخاطبین خود را فراخواند و به قصد مچ گیری با هم گفت و گو نکنند.

ج) برای کلام آدابی هست و گوینده طبق آن رفتار میکند و با رفتار شایسته دیگران را مخاطب قرار می دهد و با مچ گیری با هم ستیز نمی کنند.

د) سخن گفتن آدابی دارد که گوینده باید به آن عمل کند و مخاطبان را به کار نیک فراخواند و به قصد مچ گیری با آنها گفت و گو نکند.

## ۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

«أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ.»

الف) با پندهای نیکویی به سوی پروردگار دعوت کردم. ب) با اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا می خوانم.

ج) حتماً با اندرزهای نیک به سوی پروردگار دعوت کن. د) با پند و اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان.

## ۳- عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ: «جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»

الف) به روشی نیکو ستیز کن. ب) با آنها به صورتی که بهترین است گفتگو کرد.

#### ۴- عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةُ:

- الف) كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ: مردم به اندازه عقلشان سخن گفتن.  
ب) لَا تَتَّقُفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ: از آن چه که برایت نسبت به آن علم نیست پیروی نمی کنی.  
ج) عَوَّدَ لِسَانَكَ لِيْنَ الْكَلَامِ: عادت کن سخن نرم بر زبان بیاوری.  
د) اتَّقُوا مَوَاضِعَ التَّهْمِ: از جایگاه های تهمت ها بپرهیزید.

#### ۵- عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحُ:

- الف) الْمُتَكَلِّمُ يُعْرِفُ بِكَلَامِهِ: گوینده را با سخنانش می شناسند.  
ب) يَجِبُ أَنْ يَكُونَ كَلَامُكَ لِيْنًا وَعَلَى قَدْرِ عَقُولِ الْمَسْتَمْعِينَ: سخت باید نرم باشد و به اندازه عقل های گوش دهندگان باشد.  
ج) قَدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ: قدرت سخن از قوی ترین سلاح ها است. (د) تَكَلَّمَ حَتَّى أَرَاكَ: از وقتی تو را دیدم حرف میزنی.

#### ۶- عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةُ:

- «يَجِبُ عَلَيْنَا الْإِجْتِنَابُ عَنْ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا إِحْتِمَالُ الْكِذْبِ»:  
الف) بر ما واجب است دور شدن از حرف هایی که احتمال کذب آن می رود.  
ب) ما باید دور شویم از بیان سخنانی که احتمالاً دروغ است.  
ج) واجب است که از گفتن سخن دروغ و کذب محض اجتناب کنیم.  
د) باید از گفتن سخنانی که در آن احتمال دروغ است دوری کنیم.

#### ۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْرَدَاتِ:

- الف) أُدْعُ: فرا میخوانم (ب) التَّهْمُ: تهمت (ج) عَوَّدَ: عادت کرد (د) لَا تَتَّقُفْ: پیروی نکن

#### ۸- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْرَدَاتِ:

- الف) قَلَّةٌ: کمی (ب) الزَّلُّ: لغزید (ج) لَيْنٌ: نرمی (د) لَا يَسْمَعُ: گوش داده نمی شود

#### ۹- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْمَفْرَدَاتِ:

- الف) بَرْنَامِجٌ: برنامه ها (ب) فُحْشٌ: گفتار و کردار زشت (ج) مَرٌّ: تلخ (د) جَرٌّ: کشید

#### ۱۰- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ:

- الف) قَدْرَةُ الْكَلَامِ تَكُونُ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ دَائِمًا. (ب) مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ قَوِيٌّ.  
ج) يُعْرِفُ الْإِنْسَانُ عِنْدَمَا يَعْمَلُ عَمَلًا فَفَطْ لَا عِنْدَمَا يَتَكَلَّمُ. (د) يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَخَافَ مَوَاضِعَ التَّهْمِ دَائِمًا.

#### ۱۱- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ:

- الف) يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ مَا لَيْسَ لَنَا بِهِ عِلْمٌ. (ب) يَسْتَطِيعُ الْإِنْسَانُ قَدْ يَعُوْدَ لِسَانَهُ لِيْنَ الْكَلَامِ.  
ج) عَلَيْنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ قُلُوبِهِمْ. (د) مِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قَلَّتُهُ.

- (الف) المرءُ مخبوءٌ وراءَ عقله. (ب) عندما يكون الكلامُ أقلَّ من عقولِ المُسْتَمْعِينَ يَكْسِبُ مَوَدَّتَهُمْ جَدًّا.  
(ج) لا يَجِبُ عَلَى المرءِ أَنْ يَكُونَ عاملاً بما يقول. (د) خير الكلام ما قلَّ و دَلَّ.

## ۱۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ قَوَاعِدِ التَّرْجَمَةِ: «رَأَيْتُ طِفْلاً يَمْشِي بِسُرْعَةٍ»

- (الف) ديدم کودکی سریع راه میروید. (ب) کودکی به سرعت راه می رفت و مرا دید.  
(ج) کودکی تا مرا دید سریع پیاده روی کرد. (د) کودکی را دیدم که به سرعت راه می رفت.

## ۱۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ قَوَاعِدِ التَّرْجَمَةِ: «اللَّهُمَّ نَعُوذُ بِكَ مِنْ قُلُوبٍ لَا تَخْشَعُ»

- (الف) خدایا از دل های بدون خشوع و فروتنی به تو پناه می بریم. (ب) خدایا به تو پناه بردیم از دلی که فروتن نمی شود.  
(ج) خدایا پناه بر تو از دلهایی که خشوع ندارند. (د) خدایا به تو پناه می بریم از دلهایی که فروتنی نمی کنند.

## ۱۵- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ قَوَاعِدِ التَّرْجَمَةِ: «أَعْطَيْتُ هَدِيَّةً لِأُمِّي بِمُنَاسَبَةِ يَوْمِ الْأُمِّ قَدْ إِشْتَرَيْتَهَا قَبْلَ قَلِيلٍ.»

- (الف) هدیه روز مادر که به مادرم هدیه کردم مدتی قبل خریدم. (ب) هدیه ای که به مناسبت روز مادرم دادم قبلاً خریده ام.  
(ج) هدیه روز مادر را کمی قبل خریده بودم. (د) هدیه ای به مناسبت روز مادر به مادرم دادم که کمی قبل آن را خریده بودم.

## ۱۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ قَوَاعِدِ التَّرْجَمَةِ: «أَحِبُّ شَبَاباً يَجْتَهِدُونَ فِي سَبِيلِ الْعِلْمِ.»

- (الف) جوانان تلاش کننده در راه علم را دوست دارم. (ب) جوانانی که در راه علم تلاش میکنند محبوب ترین هستند.  
(ج) جوانی که در راه علم تلاش و کوشش کند دوست داشتنی است. (د) جوانانی را دوست دارم که در راه علم تلاش کنند.

## ۱۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ قَوَاعِدِ التَّرْجَمَةِ: «كُنْتُ أُبْحَثُ عَنْ كِتَابٍ يُنَاسِبُ ثَمَنَهُ قَدْرَهُ.»

- (الف) کتاب مناسب باارزشی جستجو می کردم. (ب) در جستجوی کتابی بودم که قیمت مناسب با ارزشش داشته باشد.  
(ج) درباره یک کتاب باارزش بحث می کردم که قیمتش مناسب بود. (د) دنبال کتابی می گشتم که قیمتش با ارزشش متناسب باشد.

## ۱۸- عَيْنُ الْخَطَا فِي نَوْعِ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌ:

- (الف) تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا: مضارع (ب) مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ: ماضی  
(ج) لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ: مضارع منفی (د) فَكَّرْتُ ثُمَّ تَكَلَّمْتُ تَسْلِمًا مِنَ الزَّلْزَلِ: مضارع

## ۱۹- عَيْنُ فِعْلِ يَمْكُنُ أَنْ يَكُونَ مَاضِيًّا أَوْ أَمْرًا:

- (الف) كَلَّمَ (ب) تَكَلَّمُوا  
(ج) سَافَرُوا (د) أَدْعُ

## ۲۰- عَيْنُ فِعْلًا مِنَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌ لِانْتِزَامِهِ بِشَكْلِ (مضارع التزامی):

- (الف) تَكَلَّمْتُ حَتَّى أُبَلِّغَ. (ب) وَجَدْتُ بَرْنَامَجَ يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ.  
(ج) عَلَيْنَا أَنْ لَانْحَرِحَ الْآخِرِينَ. (د) يُعْجِبُنِي عِيدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ.

٢١- عَيْنُ عِبَارَةٍ فِيهَا تَكُونُ الْآيَةُ أَوْ الْحَدِيثُ مَنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ عَلَى التَّرْتِيبِ:

«قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ، مِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قَلَّتْهُ، رَبُّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لَكَ الْمَشَاكِلَ.»

(الف) الْكَلَامُ يَجْرُ الْكَلَامُ تَكَلَّمَ حَتَّى أَرَاكَ، فَكَّرْتُ ثُمَّ تَكَلَّمْتُ تَسَلَّمْتُ مِنَ الزَّلَّةِ.

(ب) خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ، كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ، اتَّقُوا مَوَاضِعَ التُّهْمِ.

(ج) رَبُّ كَلَامٍ كَالْحَسَامِ، خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ، فَكَّرْتُ ثُمَّ تَكَلَّمْتُ تَسَلَّمْتُ مِنَ الزَّلَّةِ.

(د) مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ، خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ، الْكَلَامُ يَجْرُ الْكَلَامِ.

٢٢- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي إِمْلَاءِ الْفَرَاغِ حَسَبَ الْأَحَادِيثِ أَوْ الْآيَاتِ:

(الف) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُولُوا قَوْلًا.....«شَدِيدًا».

(ب) أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ.....«حَسَنًا».

(ج) الْكَلَامُ..... الْكَلَامُ «لَا يَجْرُ».

(د) إِنَّ الْمَرْءَ..... تَحْتَ لِسَانِهِ «مَخْبُوءٌ».

٢٣- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي إِمْلَاءِ الْفَرَاغِ حَسَبَ الْأَحَادِيثِ أَوْ الْآيَاتِ :

(الف) إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تَكْرَهُهُ مُجَالَسَتُهُ ل.....ه «مَخْبُوءٌ».

(ب) قُلِ الْحَقُّ وَ إِنَّ كَانَ.....«حُلُوءًا».

(ج) لَا تَقْفُلْ مَا لَا تَعْلَمُ بَلْ لَا تَقْفُلْ..... مَا تَعْلَمُ «بَعْضٌ».

(د) لَا تُحَدِّثْ بَمَا..... تَكْذِيبُهُ «تَخَافُ».

٢٤- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:

(الف) جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. «خَيْرٌ»

(ب) إِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. «جَارٌ وَ مَجْرُورٌ»

(ج) قُلِ الْحَقُّ وَ إِنَّ كَانَ مِيرًا. «مَفْعُولٌ»

(د) اتَّقِيَ النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ. «فَاعِلٌ»

٢٥- عَيْنُ عِبَارَةٍ لَيْسَ فِيهَا الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ:

(الف) الْمُتَكَلِّمُ يُعْرِفُ بِكَلَامِهِ.

(ب) يَجِبُ أَنْ يَسَلَّمَ قَبْلَ التَّكَلُّمِ.

(ج) رَبُّ تَجَلَّبَ الْمَشَاكِلَ عَنْ طَرِيقِ الْكَلَامِ.

(د) لَا تُحَدِّثْ بَمَا تَخَافُ تَكْذِيبَهُ.

٢٦- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْمَكْتُوبِ:

(الف) الرِّيحُ خَرَبَتْ بَيْنًا جَنْبَ شَلْطَاءِ الْبَحْرِ. «مَبْتَدَأٌ-مُضَافٌ إِلَيْهِ»

(ب) سَافَرْتُ إِلَى قَرْيَةٍ شَاهَدْتُ صُورَتَهَا أَيَّامَ صِغَرِي. «جَارٌ وَ مَجْرُورٌ- مُضَافٌ إِلَيْهِ»

(ج) الْكَلَامُ يَجْرُ الْكَلَامِ. «مَبْتَدَأٌ-مَفْعُولٌ» (د) إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لِاتُّدْرَكَ. «مَبْتَدَأٌ-خَبَرٌ»

٢٧- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْجَمْعِ:

٢٨- عَيْن ما يَخْتَلِف نَوْعُه عَنِ البَقِيَّة:

الف) أزهار      ب) أساور      ج) إعصار      د) إخوان

٢٩- عَيْن ما يُمْكِن أَنْ يَكُونَ الفِعْل أَوْ المَصْدَر:

الف) تعليم      ب) مُشَاهَدَة      ج) إِسْتِخْرَاج      د) تَفَكَّر

٣٠- عَيْن الصَّحِيح فِي مَعْنَى المَفْرَدَاتِ عَلَى التَّرْتِيبِ « أَلْفَان - تَعْلِيم - مَعْمَرَة - مَزَارِع - إعصار - حاسوب » :

الف) دويست- یاد دادن- عمر کننده- مزرعه ها- طوفان ها- ماشین حساب.

ب) دو هزار- یاد گرفتن- عمران و آبادانی- کشاورز- طوفان- کامپیوتر.

ج) دويست- آموختن- تعمیر کردن- مزرعه- باد های تند- ماشین حساب.

د) دو هزار- یاد دادن- کهنسال- کشاورز- گردباد- رایانه.

٣١- عَيْن ما لَيْس فِيه مَفْعُول:

الف) الكِتَابُ صَدِيقٌ يُنْقِذُكَ مِنَ مِصِيبَةٍ.      ب) يُعْجِبُنِي عِيدٌ يَفْرَحُ الفُقَرَاءُ.

ج) إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللّٰهِ مَنْ تُكْرَهُ مَجَالِسَتُهُ لِفُحْشِهِ.      د) كَلَّمَ النّٰسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ.

٣٢- عَيْن ما يَكُونُ غَرِيباً فِي هَذِهِ المَجْمُوعَةِ:

الف) قِشْر      ب) لُبُّ      ج) غَاز      د) نَوَى

٣٣- عَيْن ما يَكُونُ غَرِيباً فِي هَذِهِ المَجْمُوعَةِ:

الف) فِستان      ب) قَمِيص      ج) سِرْوَال      د) سِوَار

٣٤- عَيْن فِعْلاً مِنَ الأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ يَخْتَلِفُ عَنِ البَقِيَّةِ نَوْعُهُ:

الف) تَكَلَّمُ حَتَّى أَرَاكَ.      ب) أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ.

ج) قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا.      د) الطَّلَابُ إِنْتَقُوا مَوَاضِعَ التُّهْمِ.

٢٥ تست از درس ٧ عربی یازدهم -

١) عَيْن الجُمْلَةِ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الحَقِيقَةِ.

الف: السَّلَامُ قَبْلَ الكَلَامِ      ب: رَبُّ كَلِمٍ يَجْلِبُ لَكَ المَشَاكِلَ      ج: مِنْ آدَابِ الكَلَامِ كَثْرَتُهُ      د: خَيْرَ الكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ

٢) عَيْن الصَّحِيح:

قطعة قماش توضع على السرير:

الف: الِديباج      ب: الشَّرَشَف      ج: الكَنْز      د: المَسْك

٣) عَيْن المُنَاسِبِ لِمَفْهُومِ العِبَارَةِ: تَجْرِي الرِّيحُ لَا تَشْتَهِي السَّفْنَ.

(الف) گر ننگه دار من آن است که من می دانم / شیشه را در بغل سسک ننگه می دارد

(ب) برد کشتی آنجا که خواهد خدای / وگر جامه برتن دَرَد ناخدای

(ج) شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل / کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها

(د) ای دل از سیل فنا بنیاد هستی برگند / چون تو را نوح است کشتی بان زطوفان غم مخور

(۴) عین ما لیس فیہ المفعول به:

۱- لا نستطیعُ أن نجدَ لغةً دونَ الکلماتِ الدخیلة.

۲- بعدَ ظهورِ الاسلامِ فقد إزدادت المفرداتُ العربیة.

۳- ألفَ الدكتورُ التونجی کتاباً یضمُّ الکلماتِ الفارسیة.

۴- الکلماتُ الفارسیةُ التي دخلت اللغۃ العربیة فقد تَغیرتْ أصواتها و أوزانها.

(۵) عین ما یُخالِفُ مفهومَ هذه العبارة : « یُعرفُ المُجرمونَ بِسِماهمُ »

(الف) از هرچه سبو پرکنی از سرو زپهلوش / زان چیز برون آید و بیرون دهد آغاز

(ب) حلقه ی دراز درون خانه باشد بی خبر / مطلب دل را زبان تقریر نتوانست کرد

(ج) دشنام خلق را ندهم جز دعا جواب / ابرم که تلخ گیرم و شیرین عوض دهم

(د) فلک به مردم نادان دهد زمام امور / تو اهل دانش و فضلی همین گناهت بس

(۶) عین الخطأ فی الأصل الفارسی للکلمات التالیة :

(الف) کنز گنج (ب) فردوس پردیس (ج) مهرجان مهربان (د) شَرَشَف چادرشَب

(۷) عین الصحیح للفراغ حسب المعنی: هل تُصدِّقُ أن یوجدَ تمثال ..... شکلُهُ فی الظروفِ المُختلفة؟

(الف) یبسنُّ (ب) یشتدُّ (ج) ینقلُّ (د) یتغیر

(۸) عین الخطأ فی الحوار:

(الف) ما بکَ یا صَدِیقِی؟ انا مُصابٌ بِزُکام. (ب) ماذا تکتبُ لی یا حَضرةَ الطیبِ؟ سأقولُ بعدَ الفحصِ.

(ج) آتکتبُ لی الحبوبِ المُسکنة؟ نعم عندی حمی شديدة (د) هل تُعطینی هذا الشَّراب؟ لا بیعهُ غیر مسموح

(۹) عین الصحیح للفراغین « ..... هؤلاء الاصدقاء ..... فی المُسابقاتِ العلمیة!

(الف) كانوا- نجحوا (ب) كانوا - نَجَحَ (ج) كانَ- نَجَحَ (د) كانَ- نَجَحُوا

(۱۰) عین الصحیح عن الکلمات التي تحتها خط على الترتیب فی العبارة:

نقل المُترجمونَ عدداً من الکتابِ الفارسیةِ الی العربیة.

۱- اسم فاعل- مفعول- صفت- مجرور به حرف جر

۲- اسم فاعل- اسم مفعول- مضاف الیه- صفت

۳- اسم مفعول- مفعول- صفت- مجرور به حرف جر ۴- فاعل- صفت- مفعول- مضاف الیه



- (الف) در عصر عباسی نفوذ زبان فارسی بیشتر شد آن هنگام که ایرانیان در برپایی دولت عباسی شرکت کردند  
(ب) در دوران عباسی نفوذ زبان فارسی فراگیر شد هنگامیکه از زبان فارسی در قیام دولت عباسی استفاده کردند  
(ج) در عصر عباسی نفوذ زبان فارسی زیاد شده بود وقتی ایرانی ها در برپایی دولت عباسی شرکت کرده بودند  
(د) در عصر عباسی نفوذ زبان فارسی افزایش یافت زمانی که ایرانیان در قیام علیه دولت عباسی شرکت کردند

۱۲) عین الترجمة الصحيحة : « و ... اوفوا بالعهد ان العهد كان مسؤولاً »

- (الف) وبه عهد وفا کردند همان عهدی که مسئولیت آور خواهد بود  
(ب) وبه پیمان پایبند باشید که بی گمان از پیمان پریش می شود.  
(ج) وبه پیمان وفا کنید که قطعاً از پیمان مورد سؤال واقع می شوید  
(د) وفادار به عهد خویش باشید آن هم عهد کسی که مسؤول بوده

۱۳) عین البیت الفارسی الذی یرتبط مع الحدیث فی المعنی : ( عداوة العاقل خیر من صداقة الجاهل )

- (الف) زچشم دوست فتادم به کام دشمن / احبتی هجرونی کاتشاء عُداتی  
(ب) دشمن دانا که غم جان بود / بهتر از آن دوست که نادان بود  
(ج) دوست آن است که گیرد دست دوست / در پریشان حالی و درماندگی  
(د) یادباد آنکه زما وقت سفر یاد نکرد

۱۴) عین المناسب لمفهوم المثل ( حرف، حرف می آورد )

- (الف) تکلّموا تُعرفوا (ب) فکر ثم تکلم (ج) الکلام یجر الکلام (د) الانسان بکل لسان انسان

۱۵) عین الخطأ:

- (الف) اللسان یجرح الآخرين کالحسام (ب) الحصه کنز لا ینفد  
(ج) الکتاب صدیق ینقذک من الجهل (د) المیت لیس حیا

۱۶) عین الخطأ فی المتضاد:

- ۱- قلة # كثرة (۲) مخبوء # جلی (۳) لین # خشن (۴) بین # صرح

۱۷) عین الاصح و الادق فی الترجمة: قد بین علماء اللغة العربية و الفارسیة ابعاد هذا التأثير فی دراستهم.

- (الف) دانشمندان زبان عربی و فارسی ابعاد این تاثیر را در بررسیهای خود آشکار کردند.  
(ب) دانشمندان زبان فارسی و عربی ابعاد این تاثیر را در بررسیهای خود آشکار کرده بودند.  
(ج) دانشمندان زبان عربی و فارسی ابعاد این تاثیر را در بررسیهای خود آشکار کرده اند.  
(د) دانشمندان زبان عربی و فارسی ابعاد این تاثیر را در بررسیهای خود آشکار می کردند.

۱۸) عین الخطأ فی نفی « کان یجلس »

١٩) عَيْنُ الْفِعْلِ الَّذِي لَهُ مَعْنَى الْمَاضِي الْبَعِيدِ :

(الف) كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ (ب) لَيْسَ فِي أَسْرَتِنَا مَنْ قَدْ حَصَلَ عَلَى جَائِزَةٍ  
(ج) كُنْتُ سَاكِتًا وَ مَا قُلْتُ كَلِمَةً (د) كَانَتْ شَيْمِلٌ قَدْ تَعَلَّمَتْ لُغَاتٍ كَثِيرَةً

٢٠) عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ مِنَ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ :

(الف) الْكَاذِبُونَ لَيْسُوا نَاجِحِينَ فِي حَيَاتِهِمْ أَبَدًا (ب) أَ أَصْبَحْتُمْ مَسْرورِينَ بَعْدَ اِعْلَانِ النَتَائِجِ  
(ج) اَعْلَمَ أَنَّ الَّذِينَ يُسْرِفُونَ يَخْسِرُونَ (د) الْأُمَهَاتُ كُنَّ مَنْتَظَرَاتٍ لِيَصَلَ اَوْلَادُهُنَّ

٢١) عَيْنُ مَا كُلُّهُ مِنَ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ :

١- صَارَ- لَيْسَ - أَصْبَحَ (٢) جَعَلَ - كَادَ- كَانَ (٣) - يَصْبِحُ - يَكُونُ - كَادَ (٤) - يَصِيرُ- جَعَلَ - أَصْبَحْتُمْ

٢٢) أَيُّ عِبَارَةٍ تُتَرَجِّمُ عَلَى شَكْلِ الْمَاضِي الْإِسْتِمْرَارِيِّ :

(الف) كَانَ عِنْدِي صَدِيقٌ أَسَاعِدُهُ فِي دَرُوسِهِ (ب) لَقَدْ كَانَ فِي يَوْسُفَ وَ اِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلْسَائِلِينَ  
(ج) وَ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطًا (د) كَانَ هَؤُلَاءِ الطُّلَابُ قَدْ حَاولُوا كَثِيرًا لِلنَّجَاحِ

٢٣) عَيْنُ الْخَطَا فِي مُرَادِفِ الْكَلِمَاتِ :

(الف) الْإِثْمُ = الدَّنْبُ (ب) فَرَّ = هَرَبَ (ج) الْحَبَّ = الْوَدَّ (د) دَنَا = بَعَدَ

٢٤) عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْمَفْرَدَاتِ :

(الف) الْإِبْتِعَادُ : دُورُ كَرْدِن (ب) قَدَّانَقَذْتُمْ : نَجَاتٌ يَافْتِيدُ  
(ج) لَا يَنْسَحِبُ : عَقَبَ نَشِينِي نَمِي كُنْد. (د) أَنْفَدْنَا : نَجَاتٌ دَادِيمٌ